فصل یازدهم: نماز جماعت

شرایط نماز جماعت

اول: حائلی بین امام و مأموم یا بین مأمومین (واسطه اتصال به امام)نباشد

قال أبو جعفر (علیه السلام): إن صلّی قوم و بینهم و بین الإمام ما لا یتخطی فلیس ذلك الإمام لهم بإمام)الی ان قال(فإن کان بینهم سترة أو جدار فلیست تلك لهم بصلاة).

در این که مراد از مای موصوله در روایت شریف چیست اختلاف است این استدلال بر این اساس است که مراد از مای موصوله :أنّه الجسم أو الشيء المانع عن التخطي(گام برداشتن). فتدلّ علی قادحیة الحائل الموجود بین المأموم و الإمام الذي لا یمکن التخطّي معه و إن أمکن لولاه ,لقلّة المسافة بینهما بما لا تزید علی الخطوة(اما با توجه به قرائن در روایت به نظر می رسد مراد فاصله باشد نه مانع بودن فتامل(رک موسوعه آیت الله خویی ره).

مراد از حائل:یعنی جسمی که مانع از دیدن امام در تمام حالات شود اما اگر مانع در بعض حالات باشد(مثل مانع در حال نشسته یا ایستاده) اشکالی ندارد

)قیدنا الحائل بکونه جسماً؛ للاحتراز عن نحو الظلمة روض الجنان).

و الفقرة الأولی مطلقة تشمل الحائل في جمیع أحوال الصلاة من قیام و قعود و رکوع و سجود أو کان حائلا في بعضها فدعوی البعض کما عن الشارح و غیره من ,اختصاص الحائل لجمیع أحوال الإمام لیس في محله

فتأمل

تاریکی و نابینایی مانع محسوب نمی شوند

لأن الظاهر من الخبر أن یکون الحائل جسما لأنه الظاهر من ,لفظ السترة مع عطف الجدار علیها

وجود مانع میان بانوان با امام اشکالی ندارد به شرط علم به افعال امام برای متابعت

علی المشهور لموثق عمار: (سألت أبا عبد الله علیه ,السّلام: عن الرجل یصلي بالقوم و خلفه دار فیها نساء هل یجوز لهنّ أن یصلین خلفه؟ قال علیه السّلام: نعم إن کان الإمام أسفل منهن، قلت: فإن بینهن و بینه حائطا أو طریقا فقال علیه السّلام: لا بأس).

و منع ابن إدریس من الحائل بین المرأة و الرجل عملًا ,بالإطلاق.و النص حجّة علیه(روض الجنان).

دوم:محل ایستادن امام بالاتر از محل ایستادن مأموم نباشد

لموثق عمار عن الصادق علیه السّلام: (عن الرجل یصلي ,بقوم و هم في موضع أسفل من موضعه الذي یصلي فیه فقال علیه السّلام: إن کان الإمام علی شبه الدکان أو علی موضع أرفع من موضعهم لم تجز صلاتهم

دکان را در فارسی مغازه می گویند و معرب از فارسی است

اقوال در مقدار بلندی مبطل نماز

مشهور و شهید اول در لمعه:عرفا بگویند بلند تر است

شهید اول در دروس:به یک گام نرسد

قیل:به اندازه یک وجب

عن الذکری «بقدر إصبع إلی شبر(بنابر اختلاف نسخه ای که در روایت است).

مسئله:أیا بالاتر ایستادن مأموم از امام صحیح است؟یاسخ تا زمانی که بلندی آن تا حد معمول باشد اشکالی ندارد

بلا خلاف فیه لذیل موثق عمار المتقدم: (و سئل فإن قام الإمام أسفل من موضع من یصلي خلفه؟ قال علیه السّلام: لا بأس، قال: و إن کان الرجل فوق بیت أو غیر ذلك دکانا کان أم غیره، و کان الإمام یصلي علی الأرض أسفل منه جاز للرجل أن یصلي خلفه و یقتدي بصلاته و إن کان أرفع منه بشيء کثیر).

مسئله:بالاتر ایستاد امام در زمین سراشیبی مبطل نماز نیست و همچنین است بالاتر قرار گرفتن مأموم از امام به قدر غیر معمول

لموثق عمار عن الصادق علیه السّلام الی ان قال(فإن کان أرضا مبسوطة و کان في موضع منها ارتفاع فقام الإمام في الموضع المرتفع و قام من خلفه أسفل منه و الأرض مبسوطة إلا أنهم في موضع منحدر قال علیه السّلام: لا بأس).

)نکته:علو بر دو نوع است علو دفعی و علو انحداری سراشیبی)و در اینجا مراد علو انحداری است

سوم:مأموم از امام جلوتر نایستد(بنابراین تساوی اشکال ندارد).

للأجماع

ملاک تقدم امام بر مأموم

در حالت ایستاده پاشنه پا ملاک است(الف:اگر چه در حالت رکوع بدن مأموم جلوتر از پاشنه امام قرار گیرد

در حالت نشسته باسن ملاک است(الف:اگر چه در حالت سجود بدن مأموم از محل نشستن امام جلوتر قرار گیرد

در حالت خوابیده پهلو ملاک است

نکته:مصنف فاصله بین امام و مأموم را ذکر نکرده و کان علیه ان یذکره لصحیح زرارة عن أبي جعفر علیه السّلام: (إن صلی قوم و بینهم و بین الإمام ما لا یتخطی فلیس ذلك الإمام لهم بإمام(بنابر یک تفسیر).

در نمازهای جهریة

قرائت امام را نمی شنود

در دو رکعت اول

مشهور و شهید اول: قرائت حمد و سوره مستحب است

عن جعفر بن محمد علیه السّلام: (إذا کنت خلف الإمام تولّاه و تثق به فإنه یجزیك قراءته، و إن أحببت أن تقرأ فاقرأ فیما یخافت فیه(صدایش را پایین آورد).

در رکعت سه و چهار، اگر امام بجای تسبیحات اربعه حمد اخفاتی بخواند که معمولا شنیده نمی شود مستحب است که حمد یا تسبیحات را بخواند)در تفسیر این (عبارت مصنف میان شارحان اختلاف است فراجع ان شئت قال الشارح فی الروض : و لم أقف في الفقه علی خلاف في مسألة تبلغ هذا القدر من الأقوال).

دو رکعت دوم ملحق به دو رکعت اول نماز جهری (که قرائت را نمی شنود) است(حکم به استحباب).

شهید ثانی:اجود الحاق دو رکعت دوم به دو رکعت اول است در حکم استحباب قرائت حمد یا تسبیحات (چرا که دو رکعت دوم اخفاتی است پس همان حکم نشنیدن قرائت در دو رکعت اول نماز جهری را دارد).

دو رکعت دوم ملحق به نماز های اخفاتی است(حکم به کراهت).

قیل:ملحق به نماز های اخفاتی هستند(مشهور حکم به کراهت قرائت و شهید اول حکم به عدم کراهت کرده) چرا که دو رکعت دوم اخفاتی است پس همان حکم نماز اخفاتی را دارد

دور رکعت دوم قرائت و تسبیحات آن حرام است

زیده:حکم به حرمت قرائت یا تسبیحات اربعه لصحیح زرارة عن أبي جعفر علیه السّلام: (و إن کنت خلف إمام فلا تقرأن شیئا في الأولتین و أنصت لقراءته، و لا تقرأن شیئا في الأخیرتین فإن الله (عز و جل) یقول للمؤمنین :و إِذا قُرِئَ الْقُرْآنُ. یعني في الفریضة خلف الإمام فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ فالأخیرتان تبع (للأولتین

در نمازهای سریة(اخفاتی).

شهید اول در لمعه:عدم کراهت قرائت حمد و سوره

مشهور و شهید ثانی و شهید اول در باقی کتبش:کراهت قرائت حمد و سوره

یکره للمأموم القراءة في الأولتین من الإخفاتیة علی الأشهر جمعا بین ما دل علی التحریم کصحیح ابن سنان عن أبي عبد الله علیه السّلام: (إذا کنت خلف الإمام في صلاة لا یجهر فیها بالقراءة حتی تفرغ و کان الرجل مأمونا علی القرآن فلا تقرأ خلفه في الأولتین و بین ما دل علی الجواز و خبر المرافقي و البصري عن جعفر بن محمد علیه السّلام: (إذا کنت خلف الإمام تولّاه و تثق به فإنه یجزیك قراءته، و إن أحببت أن تقرأ فاقرأ فیما یخافت فیه فإذا جهر فانصت قال الله تعالی: وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ).

و ذهب جماعة منهم الصدوق في المقنع و ابن زهرة و العلامة في التحریر و التبصرة و الشارح في المسالك و جماعة من المتأخرین إلی المنع لضعف خبر المرافقي و البصري

من الأصحاب: قول به وجوب یا استحباب اسقاط قرائت مطلقا(چه نماز جهری یا اخفاتی قرائت را بشنود یا نشنود،دو رکعت اول یا دو رکعت دوم)(شهید ثانی:و هو احوط).

روی زرارة في الصحیح عن الباقر علیه السّلام قال: «کان أمیر المؤمنین علیه السّلام یقول: من قرأ خلف إمام یأتمّ به بعث علی غیر الفطرة

در نمازهای جهریة

قرائت امام را می شنود فیه قولان

مشهور:مکروه است

للأمر بالإنصات لسامع القرآن

و لصحیح زرارة عن أبي جعفر علیه السّلام: (و إن کنت خلف إمام فلا تقرأن شیئا في الأولتین و أنصت لقراءته الخ).

و عن جماعة منهم الشهید في الدروس بل نسب إلی المشهور الحکم بالکراهة لأن النهي عن القراءة من أجل ,.الإنصات کما هو صریح الأخبار و الإنصات غیر واجب

بعض:حرام است

للأمر بالإنصات لسامع القرآن

لإن صحیح زرارة المتقدم ورد فیه: (فلا تقرأن شیئا في الأولتین و انصت لقراءته) فالنهي عن القراءة غیر الأمر .بالإنصات فلو سلم أن الإنصات غیر واجب. کما هو الأقوی فیبقی النهي علی حاله

قول به تفصیل

واجب است نیت اقتدا به امام معین (بالاتفاق بل ادعی علیه الإجماع من غیر واحد، و نیة الائتمام تجعل الإمامة للإمام).

بالأسم(اسمش را بداند).

أو الصفة(اوصاف او را بداند).

أو القصد الذهنی ای اشارة الذهنیة(نیت اقتدا به امام جماعت حاضر کند اگر چه اسم و اوصاف او را نداند).

بنابراین:اگر نیت اقتدا به امام معین نکند(اقتدا کند به یکی از این دو امام) یا نیت اقتدا به دو امام با هم کند نماز جماعت او صحیح نیست

همچنین اگر خطای در تعیین امام کند(به نیت زید اقتدا کند اما عمرو امام باشد)جماعتش صحیح نیست

نکته:اگر به امام حاضر اقتدا کند به این تصور که زید است اما عمرو باشد در صورتی که عمرو عادل باشد نمازش صحیح است علی المشهور

فالبطلان لعدم تحقق نیة الائتمام أما بالنسبة للأول فواضح لانکشاف الخلاف و أما بالنسبة للثاني فلعدم إنشاء الائتمام به

آیا واجب است امام هم نیت جماعت کند؟خیر مگر در نمازی که جماعت شرط صحت آن است مانند نماز جمعه البته مستحب است برای رسیدن به ثواب جماعت امام هم نیت جماعت کند و لو در اثناء نماز

نکته:در تمام موارد بیان شده جماعت باطل می شود نه نماز(نماز شخص فرادی می شود).

احکام نماز جماعت

دوم:حکم وجوب تعیین امام

اول:حکم قرائت خلف الإمام

قطع نماز برای رسیدن به جماعت واجب

قطع نماز واجب

شهید ثانی و شهید اول در غیر کتاب لمعة: قطع نماز واجب جائز است اگر بترسد که به هیچ بخشی از نماز جماعت نمی رسد و هوقوی

لصحیح سلیمان بن خالد عن أبي عبد الله علیه السّلام: (عن رجل دخل المسجد فافتتح الصلاة فبینما هو قائم یصلي إذا أذّن المؤذن و أقام الصلاة، قال علیه السّلام:فلیصل رکعتین ثم لیستأنف الصلاة مع الإمام (و لتکن الرکعتان تطوعا

شهید اول در بیان: حکم قطع نماز واجب مانند قطع نماز نافله است حتی اگر خوف فوت جماعت هم نباشد با برپایی نماز جماعت می تواند نماز واجب فرادایش را قطع کند

شهید ثانی

قبل از عبور از دو رکعت حسن است

اگر خوف جماعت را ندارد عدول به نیت نماز استحبابی و اتمام نماز در دو رکعتی حسن است به این دلیل که جمع کند بین درک استحباب جماعت و ترک ابطال عمل(لا تبطلوا اعمالکم) و اگر خوف فوت جماعت را دارد از همانجای نماز عدول به نماز مستحب می کند و نماز را قطع می کند

بعد از عبور از دو رکعت فیه وجهان

استمرار نماز واجب و قطع نکردن آن

عدول از نماز واجب به مستحب و قطع نماز واجب و فیه قوة

نکته:اگر امام جماعت،امام معصوم علیه السلام باشد قطع نماز مطلقا(در تمامی موارد)مستحب است

قطع نماز نافله

قطع نماز نافله جائز است زمانی که امام تکبیرة الإحرام نماز واجب را گفته است

لا خلاف في أنه إذا دخل الإمام في الفریضة و کان الإنسان في نافلة أن یقطعها و یستأنف مع الإمام الفریضة لما یستفاد من أهمیة الجماعة علی النافلة بعد جواز قطع النافلة

قطع نماز نافله جائز است زمانی که نماز جماعت واجب بر پا شده(قبل از تکبیر امام زمان قد قامت الصلواة)برای اینکه به ثواب تمام نماز جماعت برسد.

Central Topic